

تقریرات اصول میرزای شیرازی

محمد علی مهدوی راد

نوشت^۳ و به مباحث الفیاض که بخش مهم و قابل توجهی از اصول است رسیدگی کرد. و نیز یونس بن عبدالرحمن، کتاب «اختلاف الحدیث و مسائله» را نگاهت^۴ که مبحث مهم تعارض حدیثین و مباحث تعادل و تراجیح دانش اصول را متضمن است.

بنابراین آنچه را برخی از مورخان و شرح حال نگاران عامه نوشته‌اند که محمد بن ادریس شافعی بنیادگذار دانش اصول بوده و کتاب الرساله اولین کتاب این فن است، ادعایی بیش نیست. ^۵ همچنین از متکلم و متفکر خاندان نوبخت، ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی نیز باید یاد کرد که کتابهای «الخصوص و العموم» و «ابطال القیاس» را نوشت^۶ و در کتابی دیگر به نقض و رد کتاب یادشده شافعی پرداخت. و نیز از متکلم و عالم جلیل القدر دیگر این خاندان، حسن بن موسی نوبختی باید یاد نمود که کتاب «خبر الواحد و العمل به» را نگاهت^۷.

در زمان غیبت و گسترش نیازمندیهای گوناگون و لزوم دست یافتن به پاسخ پرسشهای مختلف احتیاج به علم اصول بیشتر شد؛ لذا عالمان و فقیهانی به نگاشتن آثاری مستقل در این زمینه دست یازیدند.

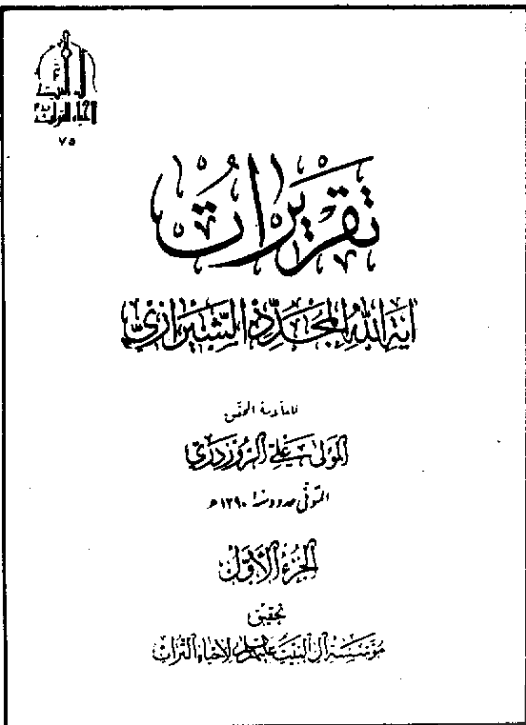
از اولین تلاشگران در علم اصول و فقه استدلالی، باید از حسن بن ابی عقیل (مستوفی حدود ۳۵۰ق) و پس از او از

تقریرات آیه الله المجدد شیرازی، العلامة المحقق، المولی علی الروزدری، الجزء الاول. مؤسسة آل البیت لأحیاء السرات، ۱۴۱۰ ۸۸ + ۴۳۴، قطع وزیری، ۲۰۰۰ ریال.

دانش اصول به عنوان منطق فقه، ریشه در روایاتی دارد که امامان ع- در مقابل سؤالیهای اصحاب مطرح می کردند. این گونه احادیث و آثار در سده های بعد زمینه نگارشهای اصولی را فراهم آورد؛ به تعبیر مرحوم آیه الله شهید سید محمد باقر صدر:

بذر فکر اصولی، نزد یاران فقیه پیشوایان دینی ع- از روزگار امام پنجم و ششم و در سطح تفکر فقهی ایشان پدید آمد. یکی از گواهیهای تاریخی برای این سخن، روایاتی است که در کتابهای حدیث آمده و با شمار فراوانی از عنصرهای مشترک در کار استنباط پیوند دارد، این روایات، فراگیر، پرسشهایی از سوی گروهی از راویان از امام صادق و دیگر امامان ع- و پاسخیهای ایشان بدان است.^۲

در عصر امامان ع- با اینکه نیازمندی عالمان به علم اصول برای دست یافتن به اجتهاد و استنباط فراگیر و گسترده نبود، اما برخی از اصحاب ائمه اطهار ع- رساله ها و مجموعه هایی در این زمینه نگاشتند. چنانکه هشام بن الحکم (متوفای ۱۹۹ق)، متکلم معروف و شاگرد برجسته مکتب تشیع، کتاب الألفاظ را



ابن جنید اسکافی (متوفای ۳۸۱ق)، و ابومنصور صرام نیشابوری یاد کرد، که هر کدام در این زمینه کتابهایی نوشتند.^۸

تدوین دانش اصول با کتاب عالم بزرگ شیعی، محمدبن محمدبن نعمان، مشهور به شیخ مفید (متوفای ۴۱۳)، با عنوان اصول الفقه به مرحله جدیدی وارد شد. کتاب شیخ مفید از یکسو جامع تمام مسائلی بود که تا آن روز در علم اصول مطرح بود و از سوی دیگر مشتمل بود بر نقد و بررسی دیدگاه اصولیان.^۹ پس از آن سید مرتضی علم الهدی (متوفای ۴۳۶ق)، تکمیل و تنقیح علم اصول را پی گرفت و کتاب گرانقدر الذریعة الی اصول الشریعة را نوشت، که به نوشته مرحوم آیه الله صدر:

تا آن زمان همانندش در فراگیری و ژرف کاوی نوشته نشده بود؛ وی در این کتاب کلیه مباحث اصولی را بررسی کرده و اقوال گوناگون متداول را به نقد و بررسی کشیده و حق را به کرسی نشانده است.^{۱۰}

برخی دیگر از شاگردان مفید در این زمینه آثاری نوشتند. که از آن میان میتوان از سلاربن عبدالعزیز دیلمی (متوفای ۴۶۳ق) یاد کرد که «التقريب فی اصول الفقه» را نوشت. در سالها و قرنهای بعد نیز تدوین آثار اصولی ادامه یافت و گسترش پیدا کرد؛ شیخ الطائفة محمدبن حسن طوسی (متوفای ۴۶۰ق)، عدة الأصول را نوشت و محقق حلی (متوفای ۶۷۶ق)، معارج الاصول را. در تداوم تألیف و تصنیف آثار اصولی باید از آیه الله علی الأطلاق علامه حلی یاد کرد، که آثار وی به لحاظ گستردگی و ژرفایی و کثرت تنوع حیرت آور است. او در این زمینه افزون بر تنقیح و تهذیب الذریعة سیدمرتضی، با عنوان «النکت البدیعة فی تحریر الذریعة»، کتابهای متعدد و گرانقدری سامان داد از جمله کتاب مهم و ارزشمند نهایی الوصول فی علم الأصول، که کتابی است بزرگ و در صفحات زرین آن تمام آرای اصولیان خریقین را آورده و به نقد و بررسی آنها پرداخته است. بدینسان نهایی الوصول کتابی است در «اصول فقه تطبیقی».

جریان تدوین و تألیف علم اصول با ظهور و بروز اخباریان در سالهای پایانی قرن یازدهم هجری برای مدتی به کندی گرایید. روزگاری بازار اخباریان رونق بسزایی داشت و عالمان اخباری آثار و نوشته های فراوانی برای از بین بردن تفکر اصولی و نفی اجتهاد نوشتند؛ این تلاش

نامیمون قریب یک قرن ادامه یافت، تا اینکه در میانه سده دوازدهم هجری، فقیه بزرگ محمد باقربن محمد اکمل اصفهانی، معروف به وحید بهبهانی (متوفای ۱۲۰۵ق) به میدان آمد. تفکر اخباریان در مقابل آراء و اندیشه های پربصابت و وحید بهبهانی تاب مقاومت نیاورد و چیزی نگذشت که بساط تنگ نظریهای آنان بر چیده شد و بار دیگر تفکر اصولی رشد کرد و فضای علمی حوزه ها را فراگرفت.^{۱۱}

علم اصول پس از وحید بهبهانی روبرو گسترش نهاد و شاگردان وی و دیگر عالمان و اصولیان، آثار بسیاری در این زمینه فراهم آوردند که از آن جمله است: قوانین الأصول از میرزای قمی (متوفای ۱۲۳۲)؛ مفاتیح الأصول از سید مجاهد سید محمد طباطبائی (متوفای ۱۲۴۲)، الفصول الغرویه از محمد حسین بن محمد رحیم اصفهانی (متوفای ۱۲۶۱ق)، هدایة المسترشدين از محمد تقی بن محمد رحیم اصفهانی (متوفای ۱۲۴۸)، در سالهای پایانی سده دوازدهم و با گسترش حوزه های درسی اصول و فقه در حوزه های علوم اسلامی، آثار دیگری با عنوان «تقریرات» پدید آمد؛ این گونه آثار تقریباً همگون با مجموعه هایی است با عنوان «امالی»؛ که دیرینه ای

بسیار کهن دارند. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعة، ذیل عنوان تقریرات نوشته اند.

«تقریرات عنوان عام برخی از کتابهایی است که سالهای پایانی سده دوازدهم و پس از آن تاکنون نوشته شده و می شود. این گونه نوشته ها همگون کتابهای «امالی» در میان کتابهای حدیثی پیشینیان است؛ با این تفاوت که کتابهای امالی در محفل درس شیخ و استاد حدیث با همان سند و متنی که استاد القاء میکرد نگاشته می شد، از این روی از آثار استاد به شمار می رفت، اما تقریرات، نگارش و تحریر مباحث علمی استاد است که شاگردان پس از دریافتن با نثر و قلم خود می نگارند، از این روی از آثار شاگردان شمرده میشود. آنچه لازم به یادآوری است اینکه کتابهای با عنوان «تقریرات» بی شمار است؛ بویژه تقریرات مباحث اصول که شاگردان شریف العلماء و صاحب «ضوابط» (سید ابراهیم بن سید محمد باقر موسوی قزوینی) و

شاگردان شیخ انصاری و غیره نگاشته اند».^{۱۲}

از بیان مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی گسترش شگفت آور آثار اصولی به روشنی پیدا است. پس از این همه، ظهور خاتم المجتهدین، شیخ مرتضی انصاری (متوفای ۱۲۸۱ق)، سرآغاز تحولی دیگر در علم اصول گردید؛ ژرف نگریها و نوآوریهای شیخ انصاری ضمن آنکه چهره تازه ای به دانش اصول داد، دامنه بحث ها و مسائل آن را نیز بگسترده. شیخ خود مباحث «اصول عملیه» را در ضمن چند رساله نگاشت که اینک به عنوان «رسائل» مشهور شده، و از متون درسی حوزه هاست. همچنین شاگردش، میرزا ابوالقاسم کلانترنوری تهرانی (متوفای ۱۲۹۲ق)، مباحث الفاظ استادش را با عنوان «مطرح الانظار» به رشته تحریر درآورد که از آثار گرانبخش دانش اصول است. مکتب شیخ انصاری از مدارس پرفیض و پرثمر حوزه های علوم اسلامی است. در مکتب شیخ انصاری دهها مجتهد و فقیه بزرگ و توانمند پرورش یافتند که یکی از آنها فقیه بزرگ و بیدارگر، مرحوم آیه الله المجدد میرزا محمد حسن شیرازی، معروف به میرزای شیرازی است.

مرحوم میرزای شیرازی به شدت مورد توجه استادش بود. و در زمان حیات استاد در حوزه پرشکوه نجف جایگاه بلندی

داشت؛ حوزه درسی او در نجف اشرف در حیات استادش یکی از پرشکوه ترین محافل درسی حوزه نجف بود. اعتماد و اعتقاد مرحوم شیخ انصاری به میرزای شیرازی به حدی بود که از وی درخواست کرد تا کتاب رسائل وی را بپیراید و از آن متنی منقح و پیراسته از زواید عرضه کند.^{۱۳}



تقریرات اصول میرزای شیرازی

چنانکه پیشتر آوردیم، حوزه درسی مرحوم میرزای شیرازی بسیار پرشکوه بود؛ تا بدانجا که گفته می شود مرحوم میرزا به یکی از نزدیکانش گفته بود:

حوزه درسی ما بهتر از حوزه درسی استاد ما شیخ انصاری است.^{۱۴}

این نکته را دیگران نیز معتقدند و حتی برخی برای باور بودند که نتایج حوزه درسی مرحوم میرزا و شاگردانی که از محفل درسی او به جایگاه بلند علم و فقاہت دست یافته اند، بیشتر از نتایج حوزه درسی مرحوم شیخ بوده است.^{۱۵}

به هر حال، دهها تن از شیفتگان و شاگردان میرزا با شور و عشق در محفل درس او شرکت می جستند و مطلب استاد را می نویشدند. و تقریر و ثبت و ضبط می کردند. یکی از بهترین آن مجموعه ها، تقریراتی است که اینک به شناساندن آن می پردازیم؛ این مجموعه که تقریباً مشتمل به یک دوره اصول است، به قلم یکی از اولین و بهترین شاگردان میرزا که وی را به او علاقه ای ژرف و اعتمادی عظیم بوده نگاشته شده است. مرحوم علامه محقق شیخ علی روزدری که اطلاع چندانی از چگونگی زندگانی و حیات علمی وی در دست نیست، پس از تحصیل و تعلّم در حوزه نجف و دست یافتن به جایگاه بلند درایت و فقاہت و بهره وری از محضر پرفیض فقیهان و عالمانی چون شیخ انصاری - رحمه الله علیه - و مرحوم میرزای شیرازی و... به امر میرزا و به عنوان نماینده وی برای هدایت و ارشاد مردم به تبریز سفر می کند، که این نشانگر مرتبت عظیم وی و

جایگاه بلند علمی اوست نزد میرزای شیرازی و مرحوم روزدري در همانجا به سال ۱۲۹۰ از جهان رخت برمی بندد.

اهمیت کتاب:

از آنچه پیشتر آوردیم روشن شد که کتاب مزبور محصول درخشانترین روزگاران حوزه علمی نجف اشرف و مراحل اوج و گسترش دانش اصول است. این اثر از جهات فراوانی قابل توجه است که اینک به برخی از آن موارد اشاره میشود:

۱- مؤلف از یکسوساگرد برجسته مکتب شیخ انصاری است و آشنا با افکار و اندیشه های اصولی وی، و از سوی دیگر در محضر پرفیض میرزای شیرازی حضور یافته و در اندیشه ها و آرای او دقت کرده و مباحث درس را به تقریر کشیده است و بالاخره خود نیز فقیه و اصولی ای برجسته بوده که گاهی آرا و اندیشه های خود را در توضیح و یا نقد دیدگاه استادان در حواشی آورده است؛ در نتیجه آنچه در این کتاب آمده است عصاره اندیشه اصولی سه تن از فقیهان و اصولیان بزرگ سیده سیزدهم هجری است، که قرن اوج و گسترش اندیشه های اصولی بوده است.

۲- کتاب با نثری استوار و بیانی روان و بدون تعقید و ابهام، آرای اصولی میرزای شیرازی را منعکس کرده است. تقریر و بیان مطلب در پایه ای از استحکام و دقت بوده است که وقتی مقرر در آستانه مأموریت برای هدایت و پیشوایی مردم تبریز کتاب را به استادش ارائه داد، استاد آنرا پسندید و شیوه نگارش و استقصای آراء، متانت بیان و جزالت تعبیر او را ستود و به شاگردانش دستور داد از روی آن استنساخ کنند.

۳- دیدگاههای استوار و آرای جدیدی که در آن به چشم میخورد از یکسو، و نشر آرای اصولی میرزای شیرازی- برای نخستین بار در حوزه های علوم اسلامی و به گونه ای مدون و دقیق- بر اهمیت و ارزش آن از سوی دیگر می افزاید.

۴- آخوند خراسانی از شاگردان مهم و برجسته حوزه درسی میرزای شیرازی در نجف اشرف است. تأثیر اندیشه های استاد

بر شاگرد انکارناکردنی است؛ از این روی تفصیل برخی از مطالب کفایه را که با قلم پیراینده و گزیده نویس مرحوم آخوند در کفایه با نهایت اجمال آمده است- در این تقریرات می توان یافت.

۵- در لابلاي کتاب، برخی از آرای اصولیان متأخر از میرزای شیرازی و یا معاصران او نیز آمده است، که از این نظر شایان توجه است.

اینها و جز اینها، نشانگر اهمیت و والایی این اثر گرانبسنگ است که برای محققان و فاضلان حوزه های علوم اسلامی در مراحل عالی درس خارج اصول، بی گمان سودمند خواهد بود.



تصحیح کتاب:

کتاب پیشگفته را آقایان محمد رضا خراشادی و محمد جواد انصاریان بر اساس سه نسخه مقابله و تصحیح کرده اند:

۱- نسخه مؤلف، نگاشته شده به سال ۱۲۸۱؛ این نسخه کامل نیست و غالباً خالی از نقطه است.

۲- نسخه شیخ محمدحائری خراسانی، نوشته شده به سال ۱۳۰۵.

۳- نسخه مرحوم سید عبدالحسین لاری دزفولی، در دو جلد: جلد اول مباحث الفاظ و جلد دوم از مبحث قطع تا آخر اصول به استثنای مبحث استصحاب.

محققان با دقت و سختکوشی تمام و درخور تحسین، این سه نسخه را مقابله و تصحیح کرده، کاستیهای نسخه مؤلف را با این نسخه ها تکمیل نموده اند. در جریان تصحیح افزون بردقت تام و تمام برای عرضه متنی صحیح و استوار و مشورت با استادان و متخصصان فن، کلیه مطالب منقول کتاب را منبع یابی کرده اند و اگر مطلبی از منبعی خطی نقل شده است، متن مطلب مورد استناد را عیناً دریاورقی نقل کرده اند.

کتاب، مقدمه ای دارد مفصل و سودمند به قلم آقای سید محمد بحر العلوم، که در ضمن آن از حوزه نجف، زندگانی و موقعیت علمی و سیاسی مرحوم میرزای شیرازی حوزه سامراء و

مرحوم لاری نقش عظیمی در برانگیختن مردم ایران در جریان تنباکو داشته است. این تلاشها باعث شد که وی به خاطر برخورد حکومت استبدادی قاجار به فیروزآباد بگریزد و... این نیز قابل تأمل است، زیرا لاری در جریان تنباکو در ایران نبوده است تا نقشی داشته باشد.^{۱۷}

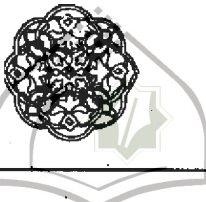
متن کتاب نیز از عناوین موضوعات تهی است؛ شایسته بود محققان، کتاب را به ابواب و فصولی تقسیم می کردند و عناوینی گویا برای آن انتخاب میکردند و کتاب را از یکنواختی در می آوردند. کتابشناسی منابع نیز همگون نیست این یکی از نقایص فنی آن است.

به هر حال، باید به مؤسسه آل البيت لأحياء التراث و محققان فاضل کتاب به پاس عرضه شایسته چنین اثری گرانقدر، با هیئتی شکیل و چشم نواز دست مرزاد گفت و تلاش وسیعشان را ستود.

چگونگی هجرت میرزا به آن، قضیه تنباکو و چگونگی ارتباط میرزا با سید جمال الدین اسدآبادی آثار و تألیفات میرزا، تقریرات شاگردان میرزا از درس وی، شاگردان و تربیت شدگان حوزه درسی و اهمیت و عظمت کتاب سخن گفته اند.

در مقدمه (ص ۲۰)، حدیث معروف منسوب به پیامبر -ص- «ان الله یبعث لهذة الامة علی رأس کلّ مائة سنة من یجدد لها دینها» آمده و تلقی به قبول شده است؛ اگر چه برخی از محققان نیز محتوای آن را پذیرفته اند، اما حقیقت آن است که این حدیث -چنانکه آیه الله شهید مرتضی مطهری گفته اند- مجعول است و بنیادی ندارد.^{۱۶}

در صفحه ۷۴ آمده است که مرحوم سید عبدالحسین لاری به سال ۱۳۰۸ ق به نمایندگی از میرزا به ایران آمد، که تاریخ صحیح ۱۳۰۹ است. همچنین در این صفحه آورده اند که:



پانوشتها:

۱. ج ۲ ص ۲۰۹. از کتاب مرحوم شیخ مفید با عنوان التذکرة بأصول الفقه والنکت فی مقدمات الاصول نیز یاد شده است. اصل این کتاب موجود نیست، خلاصه ای از آن با عنوان «مختصر التذکرة بأصول الفقه» در ضمن کتبات فوائد کراچکی آمده است. محمد بن علی کراچکی، کتبات فوائد (تحقیق عبدالله نغمه) ج ۲ ص ۱۵.
۱۰. تأسیس الشیعة، پیشگفته، ص ۳۱۲.
۱۱. برای آگاهی از شخصیت علمی و جایگاه وحید بهبهانی در دانش اصول و مواضع بنیادین او علیه اخباریان، ر. ک: علی دوانی، «وحید بهبهانی» (چاپ دوم، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۲).
۱۲. الذریعة ج ۴ ص ۳۶۶، مرحوم آقا بزرگ شمار زیادی با این عنوان یاد کرده است.
۱۳. شیخ آقا بزرگ تهرانی «میرزای شیرازی».
- ترجمه: هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی (تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی) ص ۳۷.
۱۴. سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعة (بیروت، دارالتعارف) ج ۵ ص ۳۰۸.
۱۵. همان مدرک.
۱۶. الذریعة، ج ۴ ص ۳۷۹-۳۸۰.
۱۷. سید علی میرشریفی مجله نورعلم، دوره سوم، شماره ششم، ص ۱۱۲، مقاله «مجاهد بزرگ مرحوم آیه الله العظمی سید عبدالحسین لاری».
۱۸. رضا مختاری، مجله نورعلم، دوره اول: شماره ۱۰ ص ۱۱۴، مقاله «پژوهشی پیرامون یک حدیث».

۱. برخی از محققان و محدثان، مجموعه روایاتی را که درباره مسائل اصولی از ائمه اطهار -ع- وارد شده است، گرد آورده اند؛ از جمله میرزا محمد هاشم خوانساری کتابی نوشته بنام اصول آل الرسول و محدث جلیل القدر مرحوم شیخ حر عاملی کتابی نگاشته با عنوان الفصول المهمة فی اصول الأئمة و مرحوم سید عبدالله بشر کتابی تدوین کرده با عنوان الاصول الاصلیة. مرحوم سید حسن صدر کتاب اخیر را در موضوع خود از بهترین آثار در این موضوع دانسته اند. ر. ک تأسیس الشیعة، (منشورات الا علمی تهران) ص ۳۱۰؛ مجله نشر دانش، سال نهم، شماره سوم مقاله «تصحیح تازه کفایة الأصول» ص ۳۶.
۲. سید محمد باقر صدر، المعالم الجدیدة، (چاپ دوم: تهران مکتبه النجاح) ص ۴۷-۴۹؛ مجله حوزه، شماره ۵ مقاله: پیدایش و تطور علم اصول ص ۲۹.
۳. رجال النجاشی، (مؤسسه النشر الاسلامی، قم) ص ۴۳۲.
۴. الشیخ الطوسی، الفهرست، (چاپ دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸) ص ۳۶۷.
۵. ابن عمار حنبلی، شذرات الذهب، (بیروت دار احیاء التراث العربی) ج ۲ ص ۶۱؛ ابن خلدون، مقدمه (ترجمه) ج ۲ ص ۹۲۶؛ تراث الانسانیة (مجموعه مقالات) ج ۱ ص ۴۱۱، مقاله «الرسالة».
۶. الفهرست؛ پیشگفته ج ۱ ص ۵۸-۵۷ رجال النجاشی، پیشگفته، ص ۳۲؛ عباس اقبال، خاندان نویختی (تهران، کتابخانه طهوری) ص ۱۱۸-۱۱۷.
۷. رجال النجاشی، پیشگفته، ص ۶۳، تأسیس الشیعة، پیشگفته، ص ۳۱۰.
۸. تأسیس الشیعة، پیشگفته ص ۳۱۲؛ علی فاضل، علم الاصول تاریخاً و تطوراً (قم، دفتر تبلیغات اسلامی) ص ۹۶.
۹. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، (تهران، کتابخانه طهوری)